مهدی هاشمی:

از یک حدی بیشتر خجالت می کشم بازی کنم!

موزه سینمای ایران در ادامه انتشار سلسله نشست‌های تاریخ شفاهی خود به مناسبت زادروز مهدی هاشمی بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون بخش‌هایی از گفتگوی تاریخ شفاهی این هنرمند را که اسفندماه ۱۳۹۹ انجام داده را منتشر کرده است که در زیر می‌خوانید. مهدی هاشمی با بیان اینکه در شهر لنگرود به دنیا آمده است، گفت: یادم می‌آید در کودکی گریه می‌کردیم و از پدرمان می‌خواستیم تا ما را به چمخاله برای شنا کردن ببرد. از کودکی به شنا علاقه داشتم تا آنجا که امروز یک شناگر ماهر هستم و اگر پاهایم آسیب ندیده بود، می‌خواستم در مسابقه شنای کهنسالان شرکت کنم.

وی ادامه داد: در دانشکده هنرهای زیبا رشته هنرهای نمایشی قبول شدم و در آنجا با داریوش فرهنگ آشنا شدم؛ مردی از جنوب که از آبادان آمده بود و من مردی که از شمال آمده بودم . این برخورد برای من سازنده بود و همیشه از او تشکر می‌کنم و دائم به او می‌گویم خوب شد که با او آشنا شدم. هاشمی درباره اهمیت و جایگاه بازیگر در ساخت فیلم، افزود: بازیگر حضورش مهمتر از همه چیز است و مخصوصا حضور مقابل کارگردان زیرا در یک فیلم یا تئاتر، کارگردان است که همه موارد را می‌داند و ما هم روبروی کارگردان می‌ایستیم تا ببینیم از ما چه چیزی می‌خواهد. بخش زیادی از حضور ما مقابل کارگردان به دلیل شباهت نقش است. یادم می‌آید زمانیکه نقش دکتر قریب را بازی کردم در وسط‌های کار نمی‌دانستم من دکتر قریب هستم و یا او شبیه من است. سلیقه، نظر، زندگی ، رفتار و کردار دکتر قریب برای باورپذیری نقش مهم بود و من تلاش کردم تا بتوانم دراین نقش به او خیلی نزدیک باشم. وی درباره همکاری خود با علی رفیعی نیز خاطرنشان کرد: دکتر رفیعی در ساخته شدن من تاثیر زیادی داشت. نمایشی با او کار کردیم که من نقش ناصرالدین شاه جوان را بازی می‌کردم . برای این نقش دکتر رفیعی یک سال با بدن و بیان ما کار کرد . هاشمی افزود: علت اینکه برای «دو فیلم با یک بلیت» جایزه گرفتم این بود که در آن سال در جشنواره فیلم فجر دوستان من در هیات داوران بودند؛ رخشان بنی اعتماد، علیرضا شجاع نوری و ...که نسبت به من لطف داشتند. جالب است که بیست سال بعد برای فیلم‌های «آلزایمر» و «آقایوسف» هم به من جایزه دادند که به طور اتفاقی داوران در آن دوره جشنواره فیلم فجر هم از دوستان من بودند زنده یاد علی معلم، جهانگیر الماسی که در کوچک جنگلی با هم کار می‌کردیم و همچنین دوستان دیگر. وی در ادامه بیان داشت: من بازیگری هستم که برای کارهای جدید بازی قبلی‌ام را از ذهنم پاک می‌کنم ، خودم را از گذشته خالی می‌کنم و تفکر، سلیقه و نفسم را تا جایی که امکان دارد در اختیار کارگردان جدید قرار می‌دهم تا بتوانم نقش متفاوتی را ارائه بدهم. هاشمی با بیان اینکه بازیگر باید حضور مستمر داشته باشد، گفت:بازیگر به دلیل اینکه زندگی مردم را بازی می‌کند و برای مردم بازی می‌کند باید حضور ممتد داشته باشد . آقایان علی نصیریان، زنده یاد محمدعلی کشاورز و زنده یاد عزت الله انتظامی بازیگرهای مهم و ماندگاری هستند زیرا همیشه با مردم بودند و مثل مردم بودند و همه عواطف ، احساسات و نگاه ایرانی از نگاه این بزرگان عبور کرد و نقش‌ها پیدا شدند و متاسفانه تعداد این نوع بازیگرها کم است. وی خاطرنشان کرد: یکبار از یک دوست طنازی بنام عزیز ساعتی فیلمبردار باسابقه سینما سوال کردم ما چندین دهه با هم کار کردیم نظرت درباره من چیست و او در پاسخ به من گفت در این اوضاع فعلی که هر لحظه ممکن است زندگی هنری هر هنرمندی قطع شود، تو از اینکه خودت را تا به اینجا کشاندی و توانستی با کارگردان های خوب کار کنی خوشحال باش. هاشمی درباره ایفای نقش در فیلم‌های طنز نیز گفت: من از یک حدی بیشتر خجالت می‌کشم بازی کنم و همیشه به کارگردان‌ها می‌گویم که تا چه حدی می‌توانم در نقش طنز بازی کنم و از آن بیشتر باید سراغ جری لوئیس بروند. وی در پایان با بیان اینکه خیلی طرفدار شادی است و معتقد است که خداوند انسان را برای شادی آفریده است، بیان داشت: جوان‌ها باید در دودناکترین فضاها، روزنه‌ای به سمت روشنی و پاکیزگی پیدا کنند و به سمت آن بروند و این کار می‌تواند با ورزش، با خواندن شعرهای تعالی دهنده باشد زیرا ما بزرگانی مثل حافظ، سعدی، مولانا و ... داریم که برای همه ما اهمیت زیادی دارند. به گزارش ایسنا، مهدی هاشمی بازیگر پیشکسوت سینما برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگرنقش اول مرد برای فیلم «دوفیلم با یک بلیت» درنهمین جشنواره فیلم فجر در سال۱۳۶۹، برنده سیمرغ بلورین بهترین بازیگرنقش اول مرد برای «فیلم‌های آقا یوسف»و«آلزایمر» بیست ونهمین جشنواره فیلم فجردر سال۱۳۸۹، برنده تندیس بهترین بازیگر نقش اول مرد برای فیلم «ضدگلوله» ششمین دوره جشن انجمن منتقدان و نویسندگان سینمای ایران در سال ۱۳۹۱ بوده است.

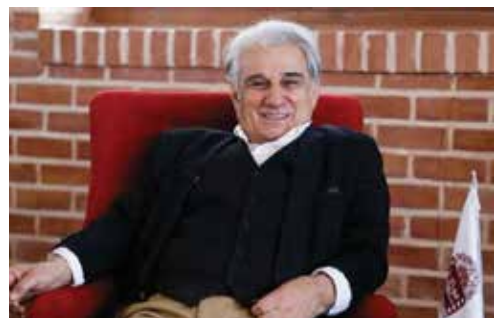

من بازیگری هستم که برای کارهای جدید بازی قبلی‌ام را از ذهنم پاک می‌کنم ، خودم را از گذشته خالی می‌کنم و تفکر، سلیقه و نفسم را تا جایی که امکان دارد در اختیار کارگردان جدید قرار می‌دهم تا بتوانم نقش متفاوتی را ارائه بدهم

*** علت اینکه برای «دو فیلم با یک بلیت» جایزه گرفتم این بود که در آن سال در جشنواره فیلم فجر دوستان من در هیات داوران بودند؛ رخشان بنی اعتماد، علیرضا شجاع نوری و ...که نسبت به من لطف داشتند. جالب است که بیست سال بعد برای فیلم‌های «آلزایمر» و «آقایوسف» هم به من جایزه دادند که به طور اتفاقی داوران در آن دوره جشنواره فیلم فجر هم از دوستان من بودند زنده یاد علی معلم، جهانگیر الماسی که در کوچک جنگلی با هم کار می‌کردیم و همچنین دوستان دیگر**

«مرد عنکبوتی» رکورد زد

فیلم سینمایی «مرد عنکبوتی : راهی به خانه نیست» که قرار است از ۱۵ دسامبر در سینمای بریتانیا اکران شود، رکورد بیشترین بلیت‌های پیش‌فروش شده در سینماهای بریتانیا را شکست. «اودئون»، بزرگترین مجموعه سالن‌های زنجیره‌ای در بریتانیا و ایرلند اعلام کرد، تاکنون بیش از ۲۰۰ هزار بلیت برای فیلم سینمایی «مرد عنکبوتی: راهی به خانه نیست» به فروش رسانده است. آمار فروش این فیلم سینمایی که در آن «تام هالند» هنرپیشه بریتانیایی در نقش «پیتر پارکر» ظاهر شده است رکورد قبلی بیشترین بلیت‌های پیش‌فروش‌شده را که به سال ۲۰۱۹ و فیلم «انتقام‌جویان : پایان بازی» تعلق داشته را شکست. به گزارش ایسنا، طبق اعلام «اودئون»، «مرد عنکبوتی : راهی به خانه نیست» همچنین به سه برابر آمار فروش بلیت‌های پیش‌فروش‌شده «جیمز باند: زمانی برای مردن نیست» که اکران آن بارها به تعویق افتاد، رسیده است.

«مرد غمگین» در دوبی

یکی از نادرترین آثار ساندرو بوتیچلی، استاد نقاش ایتالیایی سه روز در حراج‌خانه ساثبیز دوبی به نمایش درمی‌آید. «مرد غمگین» که از نمادین‌ترین و ارزشمندترین آثار کارنامه بوتیچلی است، چهره حضرت عیسی مسیح(ع) را در غمگین‌ترین حالت ممکن به تصویر کشیده است. این تابلو که حدود ۵۰۰ سال از عمر آن می‌گذرد، از کارهای مهم استاد نقاش دوره رنسانس ایتالیا و اروپاست و ارزش پایه آن حدود ۴۰ میلیون دلار برآورد می‌شود. به گزارش هنرآنلاین، «مرد غمگین» که گمان می‌رود از آخرین کارهای مانده بوتیچلی در دست مجموعه‌داران خصوصی باشد، هفته آینده روزهای ۱۲ تا ۱۴ دسامبر در ساثبیز دوبی روی دیوار می‌رود. این تابلو پیش‌تر در سال‌های ۱۸۱۴ تا ۱۸۷۹ در گنجینه آدلاید کمبل سارتوریس، خواننده نامدار انگلیسی اپرا بود و به نواده دختری‌اش رسید. این نقاشی در ۱۹۶۳ در یک حراجی به بهای ۲۸ هزار دلار فروش رفت.

«گورنا» نوبلش را گرفت

برندگان نوبل معمولا در مراسمی سطنتی که در استکهلم برگزار می‌شود جوایز خود را از پادشاه سوئد دریافت می‌کنند اما به دلیل شیوع کرونا، اغلب مراسم‌های اهدای جوایز امسال در مقیاس بسیار کوچک‌تر و کشور محل سکونت برگزیدگان برگزار می‌شود. روز دوشنبه نیز «عبدالرزاق گورنا» که امسال به پاس «نفوذ سازش‌ناپذیر و دلسوزانه در تاثیرات استعمار و سرنوشت پناهندگان در شکاف میان فرهنگ‌ها و قاره‌ها» به عنوان برنده نوبل ادبیات معرفی شد، جایزه خود را در مراسمی در لندن و از دست سفیر سوئد کرد. این جایزه یک مدال طلا، یک تقدیرنامه و بیش از یک میلیون دلار پول را شامل می‌شود. «گورنا» که در سال ۱۹۴۸ در زنگبار متولد شد در اواخر دهه ۶۰ میلادی به بریتانیا نقل مکان کرد. به گزارش ایسنا، او به عنوان نخستین نویسنده آفریقایی سیاه‌پوستی شناخته می‌شود که در سه دهه اخیر موفق به کسب نوبل ادبیات شده است.

سوسن پرور:

فکری به حال بازیگران بیکار شود

سوسن پرور بازیگر سینما و تلویزیون پیرامون آخرین فعالیت‌های خود در عرصه بازیگری گفت: در حال حاضر مشغول بازی در سریالی برای شبکه نمایش خانگی هستم و مقابل دوربین این سریال در ژانر کودک و نوجوان رفته‌ام اما به دلیل عدم پخش اطلاعات نمی توانم نامی از آن ببرم. وی درباره دریافت جایزه جشن حافظ برای ایفای نقش در فیلم سینمایی «بوتاکس» افزود: واقعیت اینکه هنوز باور نمی‌کنم که جایزه جشن حافظ را به من داده باشند، دریافت این جایزه برایم بسیار دور از ذهن بود، اتفاقی نشدنی که در کمال ناباوری برایم رخ داد. بازیگر فیلم سینمایی «بوتاکس» امکان موفقیت خود در سینما بعد از حضور در این فیلم را اینگونه توصیف کرد: هیچ چیز قطعی نیست و نمی توانم بگویم که این جایزه تضمین کننده آینده سینمایی من است، باید منتظر پیشنهادات بمانم و ببینم که چه اتفاقی خواهد افتاد. وی در همین رابطه ادامه داد: انتخاب نقش در سینما اتفاقی پنجاه پنجاه است، یعنی من به عنوان بازیگر بخشی از قضیه هستم و بخش مقابل انتخاب توسط تهیه کننده و یا کارگردان است، اینکه کاوه مظاهری برای فیلم بوتاکس روی من ریسک کرد بسیار برایم ارزشمند است اما باید دید که همه چنین ریسکی خواهند کرد یا خیر. بازیگر برنامه «کلبه عموپورنگ» درباره حضورش در سینما اظهار کرد: یک نکته وجود دارد، من با حضورم در فیلم بوتاکس و دریافت جوایز سینمایی داخلی و خارجی توانایی خود را ثابت کردم، نشان دادم که می توانم در سینما حرفی برای گفتن داشته باشم، حال نوبت کارگردانان است که به من اعتماد کنند. وی در همین راستا افزود: بدون شک من یک بازیگرم، حضور در نقش‌ها و ژانرهای متفاوت را دوست دارم و از اینکه فعالیتم در سینما چندین برابر شود استقبال می کنم، چه کسی از اینکه در سینما حضور داشته باشد ناراحت می شود؟ اما مسئله آنجاست که همه چیز آن طور که من فکر می کنم نیست و باید دید مناسبات سینما به کدامین سمت پیش می رود. آنچه مسلم است اینکه من آغوشم را برای هر نقش سخت و پر از چالشی باز نگه می دارم و امیدوارم کارگردانان هم به سمتم بیایند. پرور درباره احتمال حضور به عنوان کارگردان سینما اضافه کرد: واقعیت امر هیچگاه به کارگردانی سینما فکر نمی کنم زیرا سوادش را ندارم، قضیه تئاتر کاملا متفاوت است، من در تئاتر کار کرده ام، می توانم گروهم را جمع کرده و اثری درخشان خلق کنم اما راستش را بگویم هیچ چیزی از کارگردانی در سینما نمی دانم و سراغش هم نخواهم رفت. وی درباره حواشی به وجود آمده در پی انتشار عکس فرامرز صدیقی افزود: به نظر من موضوع بسیار بزرگتر حواشی و موج پس از انتشار یک عکس است، بحث بر سر حمایت از پیشکسوتان نیست زیرا بسیاری از بازیگران که هنوز میانسال هم نشده اند در چرخه سینما حذف شده اند. این بازیگر سینما و تلویزیون ادامه داد: ما تعداد زیادی بازیگر داریم که همه بیکار مانده اند، از سویی میزان تولیداتمان بسیار کمتر از تعداد بازیگران است و از طرفی در آن تعداد محدود تولیدی هم چند بازیگر محدود حضور دارند.

وقتی حرف از حمایت می زنیم باید ریشه ای به قضیه نگاه کنیم و اگر پرداخت پول یا وام حل کردن صورت مسئله است. وی با اشاره به بازی سیاوش طهمورث در سریال «زخم کاری» اذعان کرد: کافی است به دو قسمت حضور طهمورث در «زخم کاری» نگاه کنید تا ببینید که اگر به نسل پیشکسوت بها دهیم شاهد چه آثار درخشانی خواهیم بود. در همین لحظه من می توانم نام تعداد زیادی بازیگر معرکه را بگویم که هنوز شصت ساله هم نشده اما بیکارند. به گزارش میزان، پرور در همین رابطه خاطرنشان کرد: به عنوان مثال من در فیلمی مثل «بوتاکس» دیده شدم، اما سینما حرفه ناامنی است، هیچ تضمینی نیست که باز هم در اثری نقش اصلی بازی کنم، همین ناامنی باعث شده تا وضعیت پیشکسوتان سینما تا این حد ناگوار باشد.

بدون شک من یک بازیگرم، حضور در نقش‌ها و ژانرهای متفاوت را دوست دارم و از اینکه فعالیتم در سینما چندین برابر شود استقبال می کنم، چه کسی از اینکه در سینما حضور داشته باشد ناراحت می شود؟ اما مسئله آنجاست که همه چیز آن طور که من فکر می کنم نیست و باید دید مناسبات سینما به کدامین سمت پیش می رود. آنچه مسلم است اینکه من آغوشم را برای هر نقش سخت و پر از چالشی باز نگه می دارم و امیدوارم کارگردانان هم به سمتم بیایند

«استالونه» در «کانزاس سیتی»

«سیلوستر استالونه» ستاره مشهور سینمای آمریکا قرار است در یک سریال درام جدید با عنوان «کانزاس سیتی» محصول پارامونت پلاس به کارگردانی «تیلور شریدان» و «ترنس وینتر» بازی کند. داستان این سریال در حال حاضر اتفاق می‌افتد و درباره شخصیت گانگستر افسانه‌ای نیویورکی با نام سال (با بازی استالونه) است. «شریدان» و «وینتر» هر دو نویسنده و مدیر تولید سریال «کانزاس سیتی» خواهند بود. «استالونه» علاوه بر ایفای نقش، مدیر تولید این سریال نیز خواهد بود. این مجموعه به نحوی اولین سریال معمولی «استالونه» در دوران بازیگری اش است. او بیشتر به واسطه آثار «راکی» و «رمبو» و «بی مصرف ها» شناخته می شود. به گزارش صبا، «ترنس وینتر» یکی از سازندگان این مجموعه نیز به واسطه فیلمنامه «گرگ وال استریت» اسکورسیزی و همینطور سریال «سوپرانوها» مشهور است.

«سالاری» معاون «اسماعیلی» شد

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در حکمی، محمود سالاری را به عنوان معاون امور هنری این وزارتخانه منصوب کرد. محمود سالاری متولد ۱۳۴۹ و دانش آموخته کارشناسی ارشد زبان شناسی است. از جمله سوابق اجرای وی می توان به معاون دانشگاه صدا و سیما در دهه ۸۰ ، مدیرکل دفتر مطالعات و فعالیت های فرهنگی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، مدیر عامل و رئیس هیئت مدیره بنیاد ادبیات داستانی ایرانیان، عضو هیئت امنا و نایب رئیس هیئت مدیره موسسه نمایشگاه های فرهنگی ایران، عضو هیئت مدیره موسسه خانه کتاب، مدیر عامل بنیاد ادبیات نمایشی، مدیر دفاتر تخصصی شبکه افق ، عضو شورای تولید سیما فیلم و ... اشاره کرد. به گزارش صبا، وی که در حوزه آواز و موسیقی ایرانی فعالیت دارد، در کارنامه هنری خود نمایشنامه نویسی برای رادیو و تدریس دروس نقد ادب و هنر را دارا است.

«تک برداشت» در انگلستان

فیلم کوتاه «تک برداشت» به کارگردانی پوریا پروینی و تهیه‌کنندگی مهدی معمارزاده زنجانی در جشنواره شبکه جهانی «لیفت آف» انگلستان حضور دارد. جشنواره first-time filmmaker online sessions که در کشور انگلستان برگزار می‌شود از مجموعه جشنواره های شبکه جهانی لیفت آف (lift-off) است. این جشنواره‌ای آنلاین برای نمایش فیلم‌های کوتاه مستقل با دیدگاه‌های جدید از سراسر جهان است و فیلم‌های منتخب خود را بصورت متمرکز در دو استودیوی مطرح فیلمسازی، استودیو Pinewood انگلستان و استودیو Raleigh هالیوود در هردوره انتخاب به نمایش می‌گذارد. به گزارش ایرنا، فیلم کوتاه «تک برداشت» در نخستین حضور بین‌المللی خود در اکران‌های آنلاین ماه جاری در این جشنواره حضور دارد. بخش رقابتی جشنواره در آوریل سال آینده برگزار و برگزیدگان معرفی خواهند شد.

امروز؛ همان فردای دیروز است

«برگُزین» روزنامه‌های ایران

در این ستون ـ بی‌هیچ دخل و تصرفی ـ گزیده‌ای از مطالب روزنامه‌های سراسری کشور را فردای انتشار می‌توانید مطالعه کنید.

دنیای اقتصاد : امارات و بازتنظیم سیاست خارجی

پس از نزدیک به یک دهه رونمایی از سیاست خارجی تهاجمی و درگیرساز در نظام منطقه‌ای خاورمیانه، امارات متحده عربی در یک چرخش به ظاهر آشکار به سمت مصالحه و تنش‌زدایی با بازیگران رقیب متمایل شده است. سفر شیخ طحنون بن زاید آل نهیان مشاور امنیت ملی امارات که به مرد سایه‌ها معروف است و پیش‌تر نیز مقدمات سفر برادر خود محمد بن زاید ولیعهد ابوظبی به ترکیه پس از یک دهه تنش را فراهم کرده بود، نشان می‌دهد که امارات با محوریت ابوظبی درصدد است با بازتنظیم رویکردهای سیاسی و امنیتی خود، زمینه را برای پیگیری راهبرد موازنه مثبت میان بلوک‌های متعارض قدرت دنبال کند. در واقع رفتارشناسی این الگو؛ نه در چارچوب عقب‌نشینی از کانون‌های بحران، بلکه در قالب گذار از گسترش قدرت به سمت تثبیت نفوذ و دستاوردها، بر مبنای دیپلماسی دریایی قابل ارزیابی است.به عبارت دیگر ابوظبی درصدد است با بازتنظیم سیاست خارجی، زمینه را برای ایجاد تعادل در منافع و تعهدات نسبت به محیط‌های رقابت و درگیری فراهم کند. نمودهای عینی رونمایی از چنین سیاست خارجی‌ای، تنش‌زدایی با قطر، ایران، سوریه و ترکیه از اواخر ۲۰۱۹ و به‌ویژه در یک ماه اخیر بوده که پیشران اصلی آن بر مبنای دو محور انرژی و ترانزیت قرار دارد.این دو محور تکمیل‌کننده راهبرد دیپلماسی دریایی برای این کشور به شمار می‌رود که حضور دریایی، امنیت دریایی و سرمایه‌گذاری‌های اقتصادی در اطراف آبراه‌های حیاتی شاخص‌های این استراتژی را شامل می‌شوند. در واقع با تبیین این راهبرد است که می‌توان پویایی‌های سیاست خارجی این کشور را در شرایط کنونی درک کرد.

اقتصاد امارات که توسط تجارت و کشتیرانی حمایت می‌شود، سیاست خارجی را هدایت می‌کند. در اصول سند ۵۰ سال آینده امارات که در سپتامبر ۲۰۲۱ منتشر شد، بر این امر مهم تاکید شده است. تمرکز بر حوزه دریایی همچنین به امارات متحده عربی اجازه می‌دهد تا اهداف ملی و جهانی را ارتقا دهد و جاه‌طلبی‌های قدرت را با تصویر بین‌المللی متعادل کند.در این چارچوب، اتصال بنادر امارات به‌ویژه بندر راهبردی جبل‌علی به بنادر خلیج عدن در جنوب یمن، تسلط بر جزایر راهبردی سقطری و میون در باب المندب، حضور در بنادر دریای سرخ و همچنین مدیترانه بخشی از این راهبرد تهاجمی را شامل می‌شود که جنگ یمن عملا زمینه بسیار مناسبی را برای تحرک‌بخشی به این هدف ایجاد کرد... در این میان امنیت دریایی به ضرورت ثبات منطقه‌ای گره خورده است، چرا که رونمایی از سیاست خارجی تهاجمی چندان هم برای این کشور بدون هزینه نبوده است. اوج این هزینه‌زایی در سیاست خارجی امارات را می‌توان در انفجار کشتی‌های این کشور در بندر فجیره در ماه مه ۲۰۱۹ و سپس انفجارهای گسترده در تاسیسات آرامکو در آگوست ۲۰۱۹ دانست که عملا مقامات امارات را به سمت تعدیل در برخی از رویکردهای خود به‌ویژه در قبال بازیگران رقیب از جمله ایران سوق داد.

آرمان ملی : پرکاری یا غفلت از مسائل اصلی؟

نه تنها اصلاح‌طلبان بلکه آن دست ازکسانی که از اساس جمهوری اسلامی را قبول ندارند ولی دلسوز کشورومردم هستند، نمی‌خواهند دولت سیزدهم شکست بخورد و نتواند حداقل به اقتصاد کشور سروسامانی بدهد. صد روز از تصدی دولت آقای رئیسی می‌گذرد وبا اینکه هنوز برای قضاوت نسبت به عملکرد او بسیار زود است ولی اجمالا می‌توان پیش درآمدی از وضعیت قوه مجریه داشت ونکات مهمی را به رشته تحریر در آورد. دولت با ادعای رفع سریع مشکلات روی کارآمد وازابتدای مسئولیت خوتلاش داشته و دارد که نشان دهد بسیاری از مشکلات باپرکاری و مدیریت انقلابی قابل حل هستند. دراین زمینه می‌توان به سفرهای گسترده استانی وانبوه جلسات پی درپی رئیس دولت اشاره کرد. البته تلاش مستمر، پیگیر و پرحجم مورد استقبال همه عقلاست و کسی نمی‌تواند از آن نهی کند و با جرات می‌توان از دولت آقای روحانی که دراین زمینه دچارضعف بود، انتقاد کرد. در زمانی که حجم بسیاری زیادی ازنابسامانی‌ها متوجه امور روزه مره مردم است واقعا هیچ راهی جز تلاش شبانه‌روزی همه مسئولان کوچک‌وبزرگ دولت وهمه ارکان حکومتی وجود ندارد. اما روشن است که وقتی ما درامورکلی با بحران‌ها وچالش‌های عمیق روبه‌روهستیم پرکاری تنها قادر خواهد بود بخشی از مشکلات موردی را برطرف کند. مثلا وقتی کشور دچار خشکسالی است و۶۵ درصد ازمخازن صدها خالی هستند با هرمیزان ازکار وتلاش امکان رفع کامل مشکل وجود ندارد وگاهی تلاش‌های بی‌ثمرنه تنها موجب اتلاف منابع می‌شوند که خودعوارض منفی به‌وجود می‌آورند. دولت باید متوجه این جنبه از پرکاری وتعجیل وسرعت در عمل هم باشد. نکته بسیار مهم اینکه تاکنون دولت اصولگرایان درزمینه مشکلات وبحران‌های اصلی موجود هیچ برنامه دقیقی ارائه نداده است و جز فعالیت‌های پرحجم همه ناظران منتظرند تا ببینند که برنامه‌های ایشان درزمینه‌های اساسی چیست؟ رئیس دولت تاکنون ۳ گفت‌وگوی مستقیم وزنده با مردم داشته است ولی درهر۳ برنامه بجزاظهاربرخی ازکلیات نفرموده‌اند که برنامه‌های مشخص ایشان چیست؟ در آخرین گفت‌وگو تلویزیونی آقای رئیسی که شب یکشنبه پخش شدمتاسفانه مجری برنامه ابتدا چند دقیقه‌ای به تعریف وتمجید از دولت پرداخت ودرطول برنامه هم به‌جای برخورد حرفه‌ای وطرح سوالات مشخص وکوتاه نگذاشت تا اگر برنامه‌ای وجود دارد ازسوی رئیس دولت ارائه شوند. سوالات بزرگ وگزنده‌ای وجود دارد که نفس تاخیر در پاسخ به آنها خود مشکل آفرینند واقتصاد رنجور و فعالان اقتصادی را سردرگم می‌کند. مثلا مجری برنامه می‌توانست از پرواز قیمت دلاربه بالای ۳۰ هزارتومان بپرسد؟ پروازی که نفس‌ها رادر سینه حبس کرده است ومردم را بشدت نگران ساخته است؟ شاید به جرات بتوان گفت که اغلب خبرگزاری ها وتلویزیون‌های دنیا لحظه به لحظه خبرهای مربوط به مذاکرات هسته‌ای وین را پیگیری می‌کنند ولی در برنامه گفت‌وگوی مهم رئیس دولت با مردم بیش از یک دقیقه به آن پرداخته نشد و چونان یک مسئله حاشیه‌ای نگریسته شد! درموضوع آب که به نقاط بحران خیزوخطرناک خود نزدیک می شود حداقل می‌شد صادقانه به تشریح وضع موجود پرداخت وبه برنامه‌های آتی اشاره کرد ولی همه سوال‌ها و ابهام‌ها پیرامون آن بی‌پاسخ ماند وهیچ کس نمی‌داند که دولت دراین زمینه چه می‌خواهد بکند وآیا صرفا منتظرآسمان است که ببارد وما را از این بحران نجات دهد!؟ به نظر می‌رسد خطرمشغول شدن دولت به جزئیات وغلفت ازمهمات و کلیات واقعا درحال خودنمایی است. قطعا جاده فلان روستا وشهرستان باید احداث شود، مسلما مشکل فاضلاب اهواز باید برطرف شود، حتما باید تعداد داروخانه‌های توزیع کننده داروهای کرونا زیاد شوند وبسیاری از مشکلات از این دست نیازمند پیگیری هستند ولی تازمانی که اقتصاد، تحریم‌ها، امنیت، روابط خارجی، سطح رفاه عمومی، تورم وخشک سالی مورد رسیدگی اساسی قرارنگیرند و در شرف حل وفصل نباشند اگر ده دولت همزمان به رفع مشکلات موردی بپردازند، قادر نخواهند بود که حتی همین موارد کوچکتر را برای همیشه به نقطه اطمینان بخشی‌برسانند.

شرق : توافق هسته‌ای و تفکر «لیبرالیستی»!

۱- با مروری بر اعداد و ارقام، مشخص می‌شود در دو دوره پس از انقلاب، کشور موفق شد تا نزدیک به رقم هشت‌درصدی مدنظر جناب میرکاظمی را در رشد اقتصادی کسب کند: متوسط رشد ۷٫۳ درصدی در دوره پنج‌ساله برنامه اول توسعه (۷۲-۱۳۶۸) و متوسط رشد ۵٫۸ درصدی مربوط به برنامه سوم توسعه (۸۳-۱۳۷۹). برنامه‌هایی که یکی پس از پایان جنگ و در دوران معروف به «سازندگی» و دیگری در دوران گشایش‌های سیاسی در داخل و خارج و اصلاح ساختارهای اقتصادی در دوران معروف به «اصلاحات» رقم خورد. دو دوره‌ای که سیاست‌های نسبتا باز اقتصادی و سیاسی (لیبرالی!) در کشور اجرا شد و دستاوردهای قابل‌قبولی را هم درپی داشت.

۲- عملکرد دولت روحانی (سال‌های ۹۶- ۱۳۹۲) که اتفاقا جریان به‌اصطلاح لیبرال یا درست‌تر طرفداران اقتصاد آزاد در آن قدرت بیشتری داشتند، قابل‌قبول و حتی در مواردی سنت‌شکنی تاریخی بود. درواقع در سال‌های ۹۵ و ۹۶ که قرارداد برجام در حد نصفه و نیمه اجرائی شد رشدهای اقتصادی به ترتیب ۱۲٫۵ و ۳٫۷ و نرخ‌های تورم به ترتیب ۹ و ۹٫۶ بود. شعار دولت روحانی در این دوره اقتصاد آزاد ومحوریت بخش خصوصی و بهبود فضای کسب‌وکار و البته تداوم غنی‌سازی هسته‌ای طبق برجام بود. به قول خود وی «هم چرخ سانتریفیوژ بچرخد و هم چرخ زندگی مردم» که تا حدی نیز چنین شد و بر همین اساس آرای او در انتخابات دوره دوم (سال ۹۶) از دوره اول (سال ۹۲) بیشتر شد.درواقع دولت یازدهم توانست با کاهش تورم و افزایش رشد اقتصادی بر رکود تورمی شدید سال‌های قبل غلبه کند و حتی رتبه ایران را در فضای کسب‌وکار از ۱۵۲ به ۱۳۰ کاهش دهد. اما از سال ۹۶ و زمزمه خروج ترامپ از برجام ورق برگشت و دولت نیز متأسفانه به تمام توصیه‌های کارشناسی در تداوم راه آزادسازی اقتصادی و عدم رجعت به سیاست‌های دستوری و سرکوب قیمت‌ها و چندنرخی کردن نرخ ارز و محدودیت‌ها و ممنوعیت‌های صادراتی و وارداتی و... گوش ننهاد و در این باتلاق قدم نهاد و با این تغییر راهبرد و تغییر تیم اقتصادی وضعیت بس ناگوار این چند سال اخیر را ایجاد کرد. درواقع در طول چند دهه پس از انقلاب و حتی در دوره‌های قبل از انقلاب و به‌خصوص دهه ۴۰ که دوره طلایی اقتصادی و صنعتی کشور است، اگر به دنبال نقاط روشن عملکرد اقتصادی باشیم جز به دوره‌هایی برنمی‌خوریم که اقتصاد کشور آزادتر از قیدوبندهای دستوری دولت‌ها و مناسب‌ترشدن فضای کسب‌وکار برای فعالان بخش خصوصی و تعامل سازنده با جهان و افزایش مشروعیت و محبوبیت در بین مردم بوده است. سیاست‌هایی که از سوی دولتمردان امروزی سیاست‌های «لیبرالی» نام گرفته است. اما به‌راستی سیاست لیبرالی که به‌خصوص اصولگرایان و اعضای کابینه سیزدهم از آن بیمناک‌اند، مگر چه اشکال و ایرادی دارد؟! لیبرالیسم مبتنی بر حقوق طبیعی است و آزادی و امنیت و مالکیت را محترم می‌شمارد. در این مرام و مکتب قوانینی عادلانه است که در عین احترام به حقوق دیگران همچنین امکان زندگی در درون جامعه و همکاری و همراهی دیگران را ضمن حفظ حقوق فردی فراهم می‌آورد. تفکری که در اشکال کلاسیک و نئوکلاسیکش دخالت اختلال‌زای دولت در اقتصاد را مفید نمی‌داند و نقش اصلی را به تلاش افراد خودمختار برای تأمین منافع فردی در چارچوب یک نظم خودانگیخته بازار آزاد و سیاست‌گذاری‌های مشروع حقوقی و قانونی دولت‌ها می‌داند و... بنیان‌های اقتصاد آزاد بر حرمت حق مالکیت، آزادی کسب‌وکار و اصل رقابت نهاده شده است که هیچ اقتصادی را در جهان امروز نمی‌توان نشان داد که بدون این مبانی و البته لحاظ‌کردن ضرورت‌ها و محدودیت‌های درونی هر کشور و ملتی و سیاست‌های بازتوزیعی و... به پیشرفت و توسعه دست یافته باشد.